

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه- کابل
۱۱ جولای ۲۰۱۹



سفرنامه قطر - ۱

مقدمه:

دی شب خواب دیدم که دور تازه مذاکرات بین الافغانی در قطر برگزار می شود و مرا به نمایندگی از جامعه مدنی دعوت کرده اند.

در دعوت نامه نوشته شده بود:

حمد و ثنای بی حد خداوند پاک را که شما، طالبان و سایر جاهلان را برای عبرت آفرید
جلالت مآب محترم محمد یونس آخذ، نماینده باصلاحیت جامعه مدنی افغانستان
السلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ

اما بعد، از شما دعوت به عمل می آوریم که برای اشتراک در مذاکره بین الافغانی در هوتل داعشیان، واقع سرک جند الله، شهر دوحه، کشور قطر تشریف آورده دوستان خارجی تان را ممنون سازید.

با احترام

پیتر بولد

هماهنگ کننده مذاکرات

الف - آمادگی برای سفر

وقتی در خواب آن دعوت نامه شیرین مواصلت کرد، دست به کار شدم. به منشی دستور دادم که دعوت نامه را چوکات کند. منشی به کارمند تدارکات اطلاع داد، کارمند تدارکات فوراً استفاده از موتر را خانه پری کرد و راننده را خواست. من فوراً را امضاء کردم، تدارکاتچی عاجل عازم چارراهی صدارت شد.

به منشی هدایت دادم که یک مقاله درمورد صلح بنویسد و در صفحه فیسبوکم نشر کند. خودم با درپور شخصی به پوشاک استامبول رفتم تا دو جوره دریشی نو فرمایش بدهم و از آنجا به خیاطی خلیفه جان آغا رفته دو جوره پیراهن تنبان و دو واسکت فرمایش دادم.

ساعت سه بجه به دفتر برگشتم. تدارکاتچی هم تازه با شش نمونه چوکات برگشته بود. منشی مسوده مقاله را آماده کرده بود. همه چیز بر وفق مراد پیش می‌رفت. مقاله را خواندم و دستور نشر دادم. چوکات‌ها را آوردند. مدیر اداری، منشی و کارمند تدارکات را به جلسه دعوت کردم. همه با کتابچه و قلم حاضر شدند. تدارکاتچی چوکات‌ها را وسط میز جلسه قطار چید و من جلسه را با تلاوت آیات کوتاه از کلام‌الله مجید شروع کردم. بعد از تلاوت گفتم همکاران عزیز تشریف‌آوری شما را در این جلسه مهم خیر مقدم می‌گویم. شما می‌دانید که برای اولین بار کسی از نهاد ما به نمایندگی از جامعه مدنی در جلسه ملی در سطح بین‌الملل دعوت شده است. اول به شما، از طریق شما به خانواده‌های محترم شما و کافه ملت تبریک می‌گویم و بعد از شما خواهش می‌کنم که با دقت تمام خصوصیات این چوکات‌ها را در کتابچه خود بنویسید و از یک تا ده نمره بدهید. در پایان نمرات را می‌شماریم و چوکاتی را که بیشترین نمره گرفت انتخاب می‌کنیم.

منشی دست بالا کرد. گفتم بفرمائید. گفت: رئیس صاحب، خواهش می‌کنم برای حفظ شفافیت اشتراک کنندگان کمی از هم دور بنشینند تا کسی نمره یکدیگر را نبیند.

گفتم درست است. همه دور میز تیت شده و سرگرم مطالعه چوکات‌ها شدیم. بعد از پانزده دقیقه تحقیق و مطالعه پایان مهلت نمره‌دهی را اعلام کردم. اما، مدیر اداری سه دقیقه وقت خواست. وقت دادم. بعد از ختم سه دقیقه اضافی منشی تقاضای دو دقیقه وقت بیشتر کرد، اما مهلت ندادم. نمرات را جمع کردیم و چوکات قهوه‌ای تیره با حاشیه‌های کنده‌کاری انتخاب گردید. چک‌چک کردیم و به مدیر تدارکات دستور خرید چوکات انتخاب شده داده شد.

ادامه دارد